سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

تاریخچه سازمان مجاهدین انقلاب از زبان دبیرکل

ایسنا، اکبر بیاتی صالح: دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران درباره چگونگی تشکیل سازمان اولیه گفت: «سازمان در ۱۶ فروردین ۵۸ با وحدت هفت گروه حول محور دفاع از نظام جمهوری اسلامی، تاکید بر سیاست نه شرقی نه غربی و دین از سیاست جدا نیست اعلام موجودیت کرد و با توجه به شرایط آن روز که هنوز نظام شکل کامل نگرفته بود و می‌خواستیم که در عرصه‌های مختلف اعم از سیاسی، نظامی و امنیتی به نظام کمک کنیم. به این دلیل ناگزیر شدیم که تشکیلات حالت نیمه‌مخفی و نیمه‌علنی داشته باشد و این را هم در اساسنامه خود آوردیم. در آن سال‌ها سازمان در کمک به نهادهای امنیتی و اطلاعاتی برای برقراری امنیت در کشور و گذر نظام از بحران تجزیه‌طلبی در کردستان و سیستان و بلوچستان نقش محوری و بی‌بدیل ایفا کرد اما اختلافاتی در نهایت منجر به انشعاب‌های کمرشکن در سازمان شد.» محمد سلامتی در بیان سهم افراد عضو و گروه‌های تشکیل‌دهنده در اختلافاتی که سرانجام به تعطیلی سازمان مجاهدین اولیه انجامید نیز یادآور شد: «اختلافات بیشتر بین افراد بود گرچه ممکن بود اکثریت یک گروه متمایل به یک طرف باشد مثل منصورون که بیشتر به راست متمایل بود و بیشتر امت واحده متمایل به چپ.» سلامتی با یادآوری ماجرای اصرار برخی از اعضای منصورون برای معرفی آیت‌الله راستی به عنوان نماینده امام(ره) در سازمان مجاهدین انقلاب به حضرت امام(ره) و موافقت ایشان با این پیشنهاد گفت: «داستان انتخاب آقای راستی این بود که بعضی دوستان اعتقاد داشتند برای این که حرکت‌های سازمان بر اساس موازین اسلامی باشد طبیعتاً باید به صورت مرتب و منظم با ولی فقیه در تماس باشند و یک نماینده از طرف ایشان این ارتباط مستمر را داشته باشد.» وی افزود: «براین اساس این موضوع در شورای هماهنگی سازمان مطرح شد و پیشنهادش هم از طرف برخی اعضای گروه منصورون بود که قبلاً با آقای راستی ارتباط داشتند و او را به عنوان نماینده امام(ره) در سازمان مطرح کرده بودند. بنابراین وقتی در شورا مطرح شد اکثریت موافق بودند جز من. علت مخالفت من این بود که اولاً اعضای سازمان آگاهی سیاسی و اعتقادی کافی داشتند. به علاوه این که در صورت نیاز باید با خود ولی فقیه ارتباط برقرار می‌کردیم، البته آن موقع حساسیت زیادی در این مورد نبود و اختلاف نظرها هم هنوز به شکلی نبود که در مورد این قضیه بروز کند. آقای راستی هم اوایل که معرفی شد خیلی برخورد فعال نداشت اما به مرور پا را از نظارت فراتر گذاشت و دخالت کرد.» وی در معرفی اعضای شورای هماهنگی سازمان مجاهدین انقلاب و اساس گزینش آنها نیز اظهار داشت: «در تشکیل شورای هماهنگی سعی شد که از هر گروه یک نفر معرفی شود ولی در عمل چنین نشد و برخی گروه‌ها بیشتر از یک نفر داشتند و برخی هم فردی را در شوراندانشتند. بنده و نوروزی (امت واحده)، الویری (فلاح)، شهید بروجردی (صف)، پروین (موحدین) که بعدها جای خود را به محمود بخشنده داد و ذوالقدر و محسن تحویل‌زاده از (منصورون) عضو این شورا شدند.» سلامتی در معرفی برخی از افراد شاخص طیف راست سازمان در آن زمان نیز از حسین فدایی، محمدباقر ذوالقدر، محسن رضایی و احمد توکلی نام برد.

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم

باید سوءتفاهم در مورد حقوق بشر از بین رود

ایسنا: دبیرکل مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم با اعتقاد به این که در اصول کلی بین اعلامیه جهانی حقوق بشر و آنچه اسلام می‌خواهد تفاوتی وجود ندارد، راه‌حل برطرف شدن سوءتفاهمات را تعامل روشنفکران حوزه و دانشگاه دانست. حسین موسوی تبریزی با اشاره به بحث حقوق بشر و اهمیت آن و تفاوت این حقوق در مکاتب اسلام و غرب اظهار داشت: درباره اصول کلی حقوق بشر که شامل کرامت، آزادی و شخصیت انسان‌هاست فکر نمی‌کنم بین آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد و آنچه اسلام می‌خواهد، تفاوتی وجود داشته باشد اما در رابطه با جزئیات مطالب ممکن است مسائلی وجود داشته باشد. وی با تأکید بر این که نباید طوری رفتار کنیم که دیگران از ما طلبکار باشند که شما حقوق بشر را رعایت نمی‌کنید، اظهار داشت: جای تاسف دارد که دیگران به ما بگویند حقوق بشر را رعایت نمی‌کنید، در حالی که اسلام بیشترین موضع‌گیری را در حقوق بشر دارد و در روایتی از امام معصوم داریم که مهم‌ترین حق انسان‌ها این است که آنچه را برای خود نمی‌پسندند برای دیگری هم نپسندند و اگر همین را در مدیریت، کارهای شخصی و قوانین‌مان رعایت کنیم مشکلاتمان حل می‌شود.

■ بحث تضاد مبانی حقوق بشر اسلامی با مبانی حقوق بشر عرفی، انحرافی است

یک عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم گفت: مباحثی که درباره تضاد مبانی حقوق بشر اسلامی با مبانی حقوق بشر عرفی مطرح می‌شود نوعی انحراف است؛ اسلام آماده است برای راحتی و آسایش مردم جامعه، قوانین را وضع کند به شرطی که آسیبی به افراد دیگر وارد نسازد. ابوالفضل موسویان اظهار داشت: این که گفته می‌شود قوانین اسلام تغییرناپذیر است، جای بحث دارد چرا که با مراجعه به مقررات و قوانین مشاهده می‌شود که بسیاری از قوانین هستند که براساس ملاک‌های اسلامی وضع شده‌اند.

■ اختلاف میان حقوق بشر عرفی و حقوق بشر اسلامی وجود دارد

یک عضو دیگر مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم گفت: در مبانی حقوق بشر اسلامی محور بر اصالت خداوند بوده و خدا محور تکوین و تشریح است؛ این در حالی است که در مبانی حقوق بشر غرض محوریت انسان است. محمدصادق کاملان اظهار داشت: مبانی حقوق بشر اسلامی با مبانی حقوق بشر عرفی در مواردی مورد اختلاف است. در مبانی حقوق بشر عرفی بسیار از اصول تعریف شده بر محوریت عقل بنا شده و از نظر اسلام اصولی که بر مبنای عقل نظری پایه‌گذاری شده با دوری از مکاتبی که اساس وجودی آنها جای بحث دارد، مورد تایید اسلام است.

حزب کارگزاران سازندگی

خاتمی و هاشمی به یکدیگر نزدیک می‌شوند*

مردان سیاسی دو دسته‌اند: گروهی از درون تحولات بیرون می‌آیند و گروه دیگر تحول می‌سازند. گروه اول زاییده جبرهای اجتماعی و نوعاً محصول شور سیاسی‌اند و گروه دوم برآمده از خرد جمعی و نماینده شعور جامعه‌اند. در هر سیاستمداری کمابیش مقادیری از این دو خصیصه یافت می‌شود اما در هر یک از آنها یکی از این خصایل برجسته و اصلی است و خصلت دیگر کمرنگ و تبعی است. نسبت این دو دسته خصلت از نوع خوب و بد یا زشت و زیبا نیست، بلکه هر یک محصول شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای هستند که به صورت ناخواسته بر رفتار شهروندان اثر می‌گذارند و آنها را به انتخاب وامی‌دارند. نسبت دیگر این خصایل، تبدیل‌پذیری آنها است. سیاستمداران تحول‌ساز در جایی که شور اجتماعی غلبه می‌کند، لاجرم خود را با جریان عمومی اندیشه و اراده اجتماعی همساز می‌کنند. سیاستمدارانی که زاده تحولات و شور اجتماعی‌اند نیز در پی فروکش کردن هیجان‌ها به تدریج به مردان تحول‌ساز تبدیل می‌شوند. اکبر هاشمی‌رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی نامدارترین سیاستمداران ایرانی‌اند که این تجربه را از سر گذرانده‌اند. هاشمی از آغاز و در پی نخستین نطق تلویزیونی خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که سیاستمداری تحول‌ساز است. او در هنگامه‌ای که شور انقلابی سراسر کشور را فراگرفته بود در شورای انقلاب، حزب جمهوری و مجلس در قامت سیاستمداری ظاهر شد که سیاست را عمل آگاهانه برای توزیع قدرت سیاسی، تخصیص منافع اقتصادی و تبیین هنجارهای اجتماعی می‌داند. بر همین اساس به سرعت در جناح معتدل شورای انقلاب بر راس مجلس چند صدایی و در کانون حزب جمهوری قرار گرفت. توانایی ابتکار عمل، این سیاستمدار تحول‌ساز را در همه سال‌های دهه ۱۳۶۰ و نیمی از دهه ۱۳۷۰ به مرد شماره دو سیاست در ایران تبدیل کرد. نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ که ظرفیت‌های مهندسی سیاسی جمهوری اسلامی تکمیل شده و دیگر جایی برای ابتکار عمل باقی نمانده بود، داستان سیاست در ایران مسیری متفاوت یافت و عصر سیاستمدارانی که قرار بود شور اجتماعی را نمایندگی کنند، فرا رسید. انتخابات دوم خرداد اوج این چرخش و سیدمحمد خاتمی نماینده آن بود. خاتمی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ نقشی توامان به عهده گرفت که بخشی از آن تحول‌پذیری بود و بخش دیگرش تحول‌سازی. در این دوران «رئیس‌جمهور خاتمی» در نقش سیاستمدار تحول‌ساز عمل کرد و «خاتمی اصلاح‌طلب» در نقش سیاستمدار تحول‌پذیر ظاهر شد. او سخنگوی جبهه اصلاح‌طلبی شد و در کنار کار طاقت‌فرسای اجرایی بار دگرگونی‌خواهان را بر دوش کشید. تحولات پس از سال ۱۳۷۹ به تدریج از عیار تحول‌پذیری خاتمی کاست و بر عیار تحول‌سازی او افزود. این دگرگونی نقش خاتمی در شرایطی رخ می‌داد که هاشمی‌رفسنجانی از کار اجرایی فاصله گرفته بود و اندک اندک به پیام‌های جامعه برای تحول‌پذیری پاسخ می‌داد. فرآیند موازی آغاز شد. خاتمی و هاشمی به لحاظ روش و منش به یکدیگر نزدیک‌تر شدند و در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴، هر دو به نقطه‌ای متعادل رسیدند که بین نقش تحول‌پذیری و تحول‌سازی آنان به مرحله همپوشانی رسید. همپوشانی آرا و اعمال خاتمی و هاشمی در مرحله اول انتخابات در حدی نبود که مانع تکثر نامزدهای اصلاح‌طلب در انتخابات شود اما این ضرورت در مرحله دوم خود را نشان داد. آن تفاهم دیرهنگام و بی‌بازده بود، اما به نظر می‌رسد تجربه آن اکنون به کار آمده است و دو سیاستمداری که سیاست‌ورزی را با دو خاستگاه و روش متفاوت آغاز کردند، اکنون بر ریل‌های موازی به سوی روش مشترک پیش می‌روند.

*** برگرفته از سرمقاله ارگان مطبوعاتی کارگزاران**

حزب موتلفه اسلامی

موتلفه در نگاه مشارکتی‌ها

ذکر، محسن تولایی: برگزاری مجمع عمومی هشتم حزب موتلفه اسلامی بهانه‌ای شد تا برای یافتن پاسخ پرسشی مرتبط با این مجمع سراغ برخی از این فعالان عرصه سیاسی کشور برویم. از فعالان سیاسی پرسیدیم که اگر شما عضو موثر حزب موتلفه اسلامی می‌بودید چه برنامه و راهکاری را برای دو سال آینده حزب جهت طرح در مجمع عمومی بیان می‌کردید؟ فهرست ۳۰ نفره‌ای از فعالین احزاب و گروه‌های مختلف کشور و مدیران اجرایی و نمایندگان گروه‌های مختلف تهیه کردیم که برخی پاسخ ندادند بعضی هم چنین گفتند:

■ دوستان موتلفه حتماً موفق می‌شوند

محمدرضا خاتمی: هر چند دوستان موتلفه خودشان بهتر از بنده می‌دانند ولی فکر می‌کنم در شرایط حاضر تلاش همه احزاب کشور باید مصروف عمق دادن جریان حزبی درون جامعه شود. به عقیده من اگر کار تشکیلاتی منسجمی صورت نگیرد و برای اداره کشور کادرسازی نشود و نیروهای قوی پرورش نیابند، در آینده با کمبودهای اساسی در این زمینه مواجه خواهیم شد که نمی‌توانیم آن را جبران کنیم. لذا یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های احزاب و از جمله حزب موتلفه اسلامی را حفظ انسجام تشکیلاتی و گسترش آن و همچنین عمق دادن فرهنگ فعالیت حزبی در جامعه می‌دانم. البته دوستان موتلفه در این زمینه حتماً موفق خواهند بود.

■ موتلفه یک حزب ریشه‌دار است

حمیدرضا جلایی‌پور: اینکه موتلفه اسلامی از هیات‌های موتلفه به حزب تبدیل شد کار بسیار مهمی بود. در شرایط حاضر هم یکی از کارهای مهمی که موتلفه می‌تواند انجام دهد تاکید روی یک امر اساسی برای جامعه سیاسی ایران است. آن امر اساسی، شکل‌گیری نظام رقابتی حزبی است. موتلفه با توجه به اینکه یک حزب ریشه‌دار در ایران است و سابقه آن به نیم قرن پیش بر می‌گردد می‌تواند در جهت تقویت این خصیصه گام بردارد. من به این دلیل روی این مسئله تاکید دارم که دیدم در انتخابات اخیر مهم‌ترین مشکل همین فقدان نظام رقابتی حزبی بود که باعث شد گروه‌های بدون شناسنامه فارغ‌گونه بیایند. به همین علت هم یک سری شخصیت‌های ریشه‌دار انقلاب در این انتخابات چهره‌شان منکوب و مخدوش شد و در واقع می‌توان گفت تشکل‌های ریشه‌دار خودشان قربانی این فقدان نظام رقابتی حزبی هستند و متأسفانه پس از گذشت ۲۸ سال از انقلاب ما هنوز این خصیصه را سامان نداده‌ایم و این در شرایطی است که ما در کشور تنوع سیاسی داریم و همین الان هم این تنوع و تکثر موجود است، فقط ما باید بیاییم در جهت شفاف‌سازی این تکثر تلاش کنیم. لذا من این کار موتلفه که به حزب تبدیل شد را بسیار مهم می‌دانم. موتلفه می‌تواند با امکانات خود در این زمینه تلاش کند و در نهایت که نیروهای سیاسی شناسنامه‌دار شدند مهم نیست که در انتخابات پیروز شوند یا شکست بخورند.

جامعه اسلامی مهندسین

از چگونگی شکل‌گیری تا رویکرد اقتصادی

ایسنا: همزمان با پایان فعالیت حزب جمهوری اسلامی تعدادی از اعضای شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین و برخی چهره‌های خارج از این تشکل که با انجمن‌های اسلامی مهندسین فعالیت می‌کردند در بهمن ۱۳۶۶ هسته اولیه جامعه اسلامی مهندسین را شکل دادند. دبیر تشکیلات جامعه اسلامی مهندسین در این رابطه گفت: «در آن زمان هسته اولیه جامعه اسلامی مهندسین با حضور باهنر، مرتضی نبوی، غفوری‌فرد، به‌فرد، بی‌آزار، جان‌آقایی و تعدادی از افراد دیگر که در انجمن فنی و حرفه‌ای اسلامی سراسر کشور حضور داشتند، شکل گرفت. بعد از شکل‌گیری شورای موقت عضوگیری شروع شد. ابتدا فرد را در گروه مطرح و ضوابط و ویژگی‌های حزب را به او اعلام می‌کردیم. او نقطه نظرات خود را بیان می‌کرد و اگر شورای تصمیم‌گیری موافق بود فرد وارد هسته اولیه حزب می‌شد. در ابتدا تعدادی از وزرا و نمایندگان مجلس در جلسات ما حضور داشتند که از افراد شاخص آن دوره می‌توان به کازرونی، مرعشی، سیدمحمود عسگری و هاشمی ثمره اشاره کرد.» غلامحسین امیری با یادآوری اینکه شورای موقت جامعه اسلامی مهندسین با ۱۵ نفر تشکیل شد وظیفه این شورا را برنامه‌ریزی، هدایت و شکل‌دهی به سیاست‌های این تشکل معرفی کرد و افزود: «وقتی هسته اولیه (شورای موقت) شکل گرفت ما به فکر تشکیل جلسات ماهانه افتادیم که اولین جلسه ماهانه ما در سال ۱۳۶۹ در مسجدالجواد با سخنرانی دکتر ولایتی وزیر امورخارجه پیشین آغاز شد، موضوع این جلسه اسلام‌شناسی و نهضت‌های اسلامی در ۱۰۰ سال اخیر بود. این جلسات با ۸۰ تا ۱۰۰ نفر شروع و در این جلسات موضوعات حساس کشور با حضور صاحب‌نظران و مسئولان کشور بررسی می‌شد.» وی در تشریح چگونگی تدوین اساسنامه جامعه اسلامی مهندسین و مواد مندرج در آن گفت: «انتشار اولین اساسنامه این حزب مصادف شد با رحلت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۸. در این اساسنامه به اهداف تشکیل جامعه اسلامی مهندسین از جمله پیاده کردن رهنمودهای امام خمینی (ره) در تمام زمینه‌ها، کمک و همکاری در جهت تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی و گسترش آن در جهان و استقرار نظام عدل اسلامی در همه ابعاد اشاره شد. البته در این اساسنامه بندهایی مطرح شد که ما خود را ملزم به عملی کردن این اهداف کردیم. آزادی بیان، دفاع از آزادی قلم، آزادی اجتماعی، آزادی‌های ارزش آفرین و توانایی‌های غنی ملت در ایفای نقش خلاق در تعیین سرنوشت اجتماعی خود از جمله این هدف‌ها بودند.» در ادامه امیری گفت: «ما با نامگذاری این حزب به جامعه اسلامی مهندسین به جهانیان نشان دادیم که افراد نخبه در انقلاب وجود دارند که هم در مسائل صنعتی و هم در مسائل سیاسی صاحب‌نظر و صاحب‌فکر هستند. ما در این حزب تلاش‌هایی در زمینه فعالیت‌های فنی- مهندسی نیز انجام دادیم.»

■ دولت توجه کمتری به احزاب می‌کند

عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین با اشاره به رویکردهای اقتصادی تشکل متبوعش یادآور شد: «معتقدیم که دولت باید کوچک شود. حجم دولت هرچه قدر کوچک‌تر شود به نفع نظام است. زیرا اگر بدنه دولت بزرگ‌تر شود کارایی‌اش کمتر می‌شود. اگر بدنه دولت کوچک‌تر شود، دولت می‌تواند بخش نظارتی‌اش را تقویت کند.» امیری با بیان اینکه در دوران آقای خاتمی به نقش احزاب بیشتر توجه می‌شد، ادامه داد: «در حال حاضر توجه کمتری به این عرصه می‌شود.»

جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی

دفاع ایثارگران از نامه احمدی‌نژاد

روابط عمومی جمعیت ایثارگران: قائم‌مقام دبیرکل جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی گفت: نامه دکتر احمدی‌نژاد به بوش نمونه بارزی از دیپلماسی ابتکاری و فعال دولت نهم است که امید به ثمردهی آن بسیار زیاد است. امید است این دیپلماسی قدرتمند و فعال از سوی دوستان داخلی تضعیف و مخدوش نشود. لطف‌الله فروزنده افزود: مشخص است که نامه دکتر احمدی‌نژاد نامه مسئولان نظام و حاصل خرد جمعی است که حضور زنده انقلاب در انتهای دهه سوم شکل‌گیری را بشارت می‌دهد. وی انتشار این نامه را از برکات سال پیامبر اعظم(ص) خواند و افزود: محتوای این نامه از معرفت ناب معنوی و اسلامی بهره برده و به لحاظ بررسی‌ها در امتداد جنبش عدالت‌خواهان نظام اسلامی و دولت نهم ارزیابی می‌شود. وی در ادامه گفت: از وجهی جنبش عدالت‌خواه کوشش اندیشمندانه برای تامین حضور اخلاق و دیانت در عرصه سیاست است و دکتر احمدی‌نژاد با ارسال این نامه نشان داد که به درستی در حال ایفای نقش خود در جنبش عدالت‌خواهان است. فروزنده حضور فعال ایران در سازمان کشورهای صنعتی اسلامی را مورد اشاره قرار داد و گفت: این حضور نیز از دیپلماسی فعال دولت نهم حکایت دارد و اگر به درستی حرکت آغاز شده، تداوم یابد، این سازمان یکی از پتانسیل‌های جهان اسلام برای حل چالش‌هایی است که امروز مسلمانان با آن روبه‌رو هستند. وی افزود: اگر انقلاب اسلامی بدون نام امام خمینی(ره) در هیچ جای جهان شناخته شده نیست، بی‌شک بدون روحانیت و ولایت فقیه هم ابتر خواهد ماند.

■ دوران حزب‌سالاری تمام شده است

یک عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی با بیان اینکه دوران حزب‌سالاری تمام شده است، گفت: مثلاً در انتخابات ریاست جمهوری دیدیم که احزاب به نوعی عقب‌تر از مردم بودند و مردم در واقع انتخاب خود را کردند و ما همین قضیه را نیز در انتخابات شورای شهر دوم مشاهده کردیم. مجتبی شاکری در گفت‌وگو با ایسنا افزود: دوران احزاب دولت‌ساخته مانند دوره قبل و قبل‌تر از آن گذشته است. احزاب سابقه‌داری مانند موتلفه نیز به این حقیقت پی برده‌اند و می‌دانند هر حزبی که بتواند مطالبات مردم را به نوعی رصد کند و مدل‌سازی خود را در جهت آرمان‌ها و مطالبات مردم انجام دهد، مشاور خوبی برای مردم خواهد بود. در دوره ریاست جمهوری جریانات اصولگرا تا حدودی توانستند خود را با این وضعیت تطبیق دهند، ولی جریان دوم خرداد نتوانست مطالبات مردم را رصد کند و به همین دلیل با شکست مواجه شد. شاکری با بیان اینکه جریاناتی که در حال حاضر در کشور ما حضور دارند، دارای تعریف مشخصی نیستند، گفت: در احزاب اصلاح‌طلب شاهد انشعاب‌هایی بودیم، از دل کارگزاران، حزب اعتدال و توسعه و از دل مجمع روحانیون، اعتماد ملی متولد شد. این تولیدات نیز تعریف مشخصی ندارد و تابلوهای جدیدی هستند که به مجموعه‌های قبلی اضافه شده‌اند و اگر به دنبال طرح فکر جدیدی هستند در این امر موفق نبوده‌اند. چون اگر فکر جدیدی را مطرح کرده بودند هم جریان اصولگرا و هم جریان اصلاح‌طلب در انتخابات ریاست جمهوری با مشکل برخورد نمی‌کرد. مثلاً شورای هماهنگی به عمق نرفت. در مراحل ابتدایی دارای سازوکارهایی بود و توانست در انتخابات شوراها و ریاست جمهوری پیروزی کسب کند ولی به علت اینکه به عمق نرسیده بود دچار مشکل شد. در دوم خرداد نیز چنین امری رخ داد؛ در حال حاضر هنوز بعضی از دوم‌خردادی‌ها به جای شعار خدمت به مردم شعار آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک می‌دهند و هنوز در پیله خود فرو رفته‌اند.

جمعیت آبادگران جوان

نامه احمدی‌نژاد حقوق بین‌الملل را متحول می‌کند

میثم رمضانعلی*: محمد قوچانی سرمقاله‌ای در شرق نوشته بود که نقدی بود بر نامه رئیس جمهوری به بوش. جدای از تعبیرهای تمسخرآلود مقاله، تفسیر نامه به عنوان نامه‌ای پیامبرانه کانون اصلی نقد این نویسنده خوش‌قلم بود. نامه محمود احمدی‌نژاد جدای از مفاهیم و مطالبش نامه‌ای بود که بدون هیچ مقدمه‌ای و به صورت شوکی به بدنه روابط عادی دیپلماتیک، توانست توجه جهانیان را دگرباره به ایران جلب کند. ایرانی که مدتی است خبرسازترین رئیس‌جمهوری را در راس خود داشته است. نکته «غیرقابل پیش‌بینی بودن» نامه، مهمترین نکته‌ای است که توانسته بر ارزش نامه فوق بیفزاید. حقوق بین‌الملل (international law) که اکنون مرکز مهم و تئوری پردازش، ایالات متحده است، با این حرکت رئیس‌جمهور متحول خواهد شد. حقوق بین‌الملل که بر دو دوتا چهارتا استوار بود، با حرکت‌هایی این گونه تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و دچار تبدیل و تبدل خواهد شد.

محمد قوچانی در این مقاله فارغ از توجه به این که این نامه جدای از مفاهیمش، که به تعبیر ایشان پیامبرانه است، بردی سیاسی نیز دارد. آقای قوچانی غافل از این که این نامه می‌تواند روابط دیپلماتیک را تغییر دهد، این قبیل نامه‌ها را در حد نصیحت پایین آورده و آن را وظیفه مراجع تقلید و روحانیون می‌داند. در حالی که حرکت ایجاد رابطه، هر چند با احتیاط، دچار بار سیاسی‌ای در حقوق بین دولت‌ها بوده و تبعاتی خواهد داشت. از اثراتش همین بس که هم‌اکنون سیاستمداران آمریکایی تحت فشار قرار گرفته‌اند تا پاسخ این نامه را بدهند. این فشار نه از طرف ایران و نه از طرف کشورهای دوست و دشمن آمریکا که از طرف خود آمریکایی‌ها است. چرا که می‌دانند تبعات منفی عدم پاسخ به این نامه، بیشتر از مشکلاتی است که در پاسخ به این نامه ایجاد می‌شود. لذا مسئولین خود را در فشار قرار می‌دهند تا هر چند مختصر، پاسخی مستدل به نامه فوق داده شود. این نامه اگرچه به تعبیر آقای قوچانی پیامبرانه است، اما چون قابل پیش‌بینی نبود، در حافظه تاریخ سیاسی و حقوق بین‌الملل ثبت و ضبط می‌شود و آیندگان، عدم پاسخگویی آمریکا به این نامه را حمل بر ادب و منطق نمی‌کنند. آیندگان خود می‌فهمند که ایجاد ارتباط ابتدائاً از طرف ایران بوده است و ایشان بوده‌اند که می‌خواستند در جهان روابطی مسالمت‌آمیز ایجاد کنند. نقشی که مبانی‌اش حقوق بین‌الملل تئوری‌پردازان آمریکایی نیست، بلکه مبانی‌اش در اسلام است و بس.

***برگرفته از ارگان اینترنتی آبادگران جوان**

نهضت آزادی و ملی- مذهبی‌ها

ناکارآمدی افزایش حقوق‌ها در فقرزدایی

بخشنامه دولت مبنی بر افزایش ناگهانی حقوق کارکنان (کارگران و کارمندان) موجب شگفتی و نارضایتی و اعتراض بسیاری از مدیران صنایع کشور شد. یک بار دیگر نیز در همان سال‌های اول انقلاب در زمان دولت موقت و بدون اطلاع یا تصویب هیات دولت و احتمالاً با انگیزه‌های سیاسی چنین اشتباهی رخ داد و آثار سوء خود را بر اقتصاد شکننده و بیمار ما وارد کرد. این بار هم افزایش حقوق ماهیانه ۲۰ تا بیش از ۵۰ درصد حقوق کارکنان در حالی که بهره‌وری یا قدرت تولید اقتصاد کشور به هیچ وجه در این حدود افزایش نیافته است، عواقب اقتصادی و غیراقتصادی نامطلوبی در پی خواهد داشت. بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی مانند ژاپن، چین، کانادا و... برای سال‌ها افزایش حقوقی را اعلام نداشته یا رقم بسیار کوچکی را اعمال کرده‌اند به عنوان مثال در کانادا (بریتیش کلمبیا) نرخ افزایش حقوق‌ها کمتر از یک درصد در سال گذشته بوده است. بدیهی‌ترین اثر افزایش ناگهانی حقوق‌ها که بدون تناسب با افزایش تولید کشور باشد تورم لجام‌گسیخته را در پی خواهد داشت. البته این افزایش حقوق‌ها تنها با یک عامل اقتصادی تناسب دارد و آن افزایش قیمت نفت خام در سطح جهان است. می‌توان نفت خام کشور که ثروت ملی است و نه تنها متعلق به نسل حاضر و متعلق به نسل‌های آینده است و می‌تواند صنایع مختلف از جمله پتروشیمی را تغذیه کند و صدها درصد ارزش افزوده تولید کند، را همچنان صادر کرد و با درآمد آن مواد مصرفی را وارد نمود، ولی متاسفانه این راه‌حل تالی فاسدهای بسیاری داشته و خواهد داشت. درآمدی که به رشد و توسعه اقتصاد و فرهنگ و دلالی و عدم توزیع عادلانه ثروت و عواقب نامطلوب فاجعه‌آمیز اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی خواهد انجامید و علاوه بر آن تابع سیاست‌ها، قیمت‌ها و تلاطم‌های جهانی خواهد بود و به شدت تحت‌تاثیر عواملی چون تحریم و جنگ قرار خواهد گرفت. درک و بیان آثار عمیق افزایش نسنجیده حقوق مستلزم بررسی اقتصاد دلالی و آثار آن بر بیکاری و فقر و نظم عمومی و امنیت اجتماعی است. در اینجا به نظرات یکی از صاحب‌نظران صنعتی کشور آقای مهندس امیرسعید حجازی در خصوص افزایش نامتعادل حقوق‌ها و فقرزدایی که به خوبی ناکارآمدی این سیاست را نشان می‌دهد مطرح می‌سازیم:

■ تراز ابزار

انسان با به‌کارگیری ابزار توانسته است بر میزان استحصال خود از طبیعت بیفزاید و از رفاه اقتصادی مطلوب‌تری برخوردار شود. رشد فناوری و کیفیت ابزار تولید، با ارزش ابزار تولید به ازای هر کارگر سنجیده می‌شود و ما آن را تراز ابزار تولید و یا «تراز ابزار» در یک جامعه می‌نامیم و چون سرمایه پولی است که به شکل ابزار درآمده باشد می‌توان گفت تراز ابزار در یک جامعه سرمایه‌گذاری به ازای هر کارگر تولیدی در آن جامعه است. واحدی است که تمام مشخصات سرمایه را در خود دارد، توان اقتصادی را به کمک این واحد می‌توان سنجید. متوسط درآمد ناخالص سرانه افراد یک کشور طی مدت ثابت (به طور معمول یک سال) با تراز ابزار به کار گرفته شده در آن کشور رابطه مستقیم دارد اما این رابطه خطی نیست. افزودن بر حقوق کارگر یا کارمند یا حذف مالیات و یا هر رفتار دیگری که گمان رود قدرت خرید آنان را افزایش می‌دهد و معیشت آنان را بهبود می‌بخشد در شرایطی که درآمد سرانه جامعه تغییر نکرده است نادرست و واهی است زیرا بهبود قدرت خرید گروه مورد حمایت در شرایطی که کل درآمد جامعه تغییر نکرده است به معنای افت قدرت خرید و معیشت گروه‌های دیگر است. گروه‌هایی که گرفتار تنزل درآمد شده‌اند بیکار نخواهند نشست و برای بازگشت به شرایط اولیه به هر در و دیواری خواهند کوبید. راننده کرایه را بالا می‌برد، فروشنده بر قیمت کالا می‌افزاید، معلمین و استادان و کارمندان با اعتصاب درخواست اضافه حقوق می‌کنند در نتیجه نقدینگی دولت کاهش نمی‌یابد و دارایی با افزودن به مالیات دیگر گروه‌ها به جبران کسری‌ها می‌پردازد، که این خود به قیمت‌ها می‌افزاید و سهمیه گروه‌ها از محتوی سبد درآمد سالانه جامعه در حالی به تعادل می‌رسد که گروه مورد حمایت اگر در این سهمیه‌بندی جدید امکانات ضرر نکرده باشد سودی هم نبرده است. بدون آنکه کل درآمد جامعه افزوده گردد، اضافه حقوق حرفی بی‌معنا است. برای بالا بردن کل درآمد باید بر تولید افزود و این نمی‌شود مگر تراز ابزار که برای میلیون‌ها نفر بیکار و افزون بر آن بیکاران پنهان، صفر است، به حداکثر ممکن در توان جامعه برسد و سپس از طریق انباشت سرمایه و رشد فناوری به طور پیوسته صعود کند تا بر روی‌هم درآمد جامعه افزایش یابد. انباشت سرمایه بخشی از تولید است که باید به وسیله کارفرما برای بهبود تراز ابزاری اختصاص یابد. این تفکر که توزیع مجدد ثروت موجب گسترش عدالت اجتماعی است از دوران کشاورزی و اوایل دوران صنعتی به یادگار مانده است و در جامعه صنعتی توسعه یافته معنایی ندارد. طی دو هزار سال تولید کشاورزی کل درآمد جوامع تغییری نامحسوس داشت و ثروت یکی ملازمه با فقر دیگری بود و فقرزدایی به این معنا بود که از دارا بگیرند و به نادار بدهند. اگر در جامعه صنعتی انباشت سرمایه و رشد فناوری موجب بالا رفتن تراز ابزار شود، کل تولید جامعه به طور تصاعدی افزوده می‌شود. بالا رفتن تولید نیازمند گسترش مصرف یعنی تعداد بیشتری مصرف‌کننده با قدرت خرید فزون‌تر است. اگر با وجود افزایش درآمد جامعه هنوز گروهی نیز محروم وجود دارند باید آن را در نابهنجاری‌های اجتماعی و نه در مسائل و روابط اقتصادی جست‌وجو کرد. مگر آنکه نوعی نظام اقتصادی دلالی پنهان بر اقتصاد استیلا یافته باشد. اقتصاد دلالی حاصل حضور گسترده دولت در برنامه‌های عمرانی و به خصوص نظامی‌گری است که موجب ایجاد رانت‌ها (اطلاعاتی- اقتصادی) می‌شود و به معاملات و درآمدهای کلان و توزیع غیرعادلانه درآمد و فساد مالی می‌انجامد.

■ سرمایه و سرمایه‌داری

سرمایه پولی است که به شکل ابزار تولید درآمده باشد و تحت مدیریت کارفرما و محصور در نظام ارزش جامعه بتواند در فرآیند تولید خود را در سطح بالاتری بازتولید کند یعنی خاصیت خودافزا دارد و شکل نمی‌گیرد مگر فضای امن برای آن فراهم شود. در نبود هر یک از این شش وجه (ابزار تولید، مدیریت کارفرمایی، نظام ارزشی اجتماعی مناسب، بازتولید آن در سطحی بالاتر و امنیت اجتماعی) سرمایه‌ای وجود ندارد. اتومبیل یک راننده تاکسی سرمایه است اما همین دستگاه در خانه یک اشرافی ثروتی است راکد که توان خودافزایی و ایجاد اشتغال ندارد. سرمایه‌داری خصوصی و دموکراسی الزاماً برهم منطبق نیستند لکن رشد صنعتی و رفاه اقتصادی نیازمند محیطی امن و آزاد است.

جبهه مشارکت ایران اسلامی

دیدار با رقبا ضرورت جدید سیاسی

ایلنا، پرستو سرمدی: یک عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی با اشاره به شیوه‌های جدید سیاست‌ورزی این حزب که در قالب گفت‌وگو و رایزنی با شخصیت‌ها و گروه‌های تاثیرگذار در مورد پرونده هسته‌ای ایران نمایان شده است، اظهار داشت: موضع‌گیری‌ها و اقدامات امروز جبهه مشارکت را نمی‌توان از رویکردها و مواضع اولیه این حزب و فعالیت‌هایی که در سال